

پروفسور مری بویس، استاد مطالعات زرتشتی روز بیستم ماه اوت ۱۹۲۰ در دارجلینگ، هند به دنیا آمد. سحرگاه روز چهارم اپریل ۲۰۰۶، در بخش عمومی بیمارستانی در لندن، در خواب درگذشت.

پدرش از قضات دستگاه حکومتی انگلستان در هند بود و مادرش نوه مورخ انگلیسی سموئیل گاردنر. در یکی از دبیرستان‌های خصوصی انگلستان درس خواند. سپس وارد مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی شد. همان مدرسه‌ای که بعدها تمام عمر کاری خود را در آنجا گذراند. مری بویس آنگاه در آن دانشکده به تحصیل مشغول شد که امثال سید حسن تقی‌زاده و مینورسکی و هنینگ در آنجا تدریس می‌کردند. با آنکه رشته تحصیلی مری بویس ادبیات انگلیس و باستانشناسی و مردم‌شناسی بود، لابد به علت تشویق و صلاح‌دید مینورسکی و تقی‌زاده، و هنینگ قدم در وادی ایران‌شناسی گذاشت. مانند اکثر ایران‌شناسان بیگانه تبار فریفته و شیفته فرهنگ و تمدن ایران، که هویت تاریخی هزار چهره‌ای است، شد. دلباختگی او به ایران، و مخصوصاً رخساره زرتشتی آن، آنگاه اوج گرفت که یک سال، در سال ۱۹۶۶، در روستاهای زرتشتی‌نشین اطراف یزد با کشاورزان تنگ‌دست اما معتقد و متعصب در آیین خود به سر برد. پس از این اقامت یک ساله بود که نظریاتش درباره این نخستین دین توحیدی جهان زیر و رو شد. اقامت وی در میان زرتشتیان یزد و کرمان سبب شد تا آراء و نظریات اکثریت قریب به اتفاق

A PERSIAN STRONGHOLD OF ZOROASTRIANISM

based on the
Ratanbai Katrak lectures, 1975

Mary Boyce

محققان و پژوهشگران بیگانه را در زمینه کیش زرتشت، زیر سؤال برد. مری بویس این پرسش ساده اما ژرف را مطرح ساخت:

«سه هزار سال پس از زرتشت چه کسی صلاحیت بیشتر در تعبیر و تفسیر و شرح باورها و تعالیم زرتشت را دارد؟ پژوهشگران و دانشمندانی که در صندلی‌های راحت کتابخانه‌های خود لم داده و بر سر جزئیات دستوری گاتها و نیایش‌ها و دیگر ادبیات دینی زرتشت قلمفرسایی می‌کنند یا آن کشاورز قبا بر تن زرتشتی که در کوه‌ها و بیابان‌های خشک اطراف یزد و کرمان بیل می‌زند و کار می‌کند و عرق می‌چکاند و ادعیه زرتشتی را زمزمه نموده و سفت و سخت سنت‌ها و آیین‌های دین آباد اجدادی خود را حفظ می‌نماید؟»

آنچه باعث مطرح شدن این پرسش شده بود فطرت هوشیار و بیدار و کنجکاو او بود. پی برده بود با خواندن کتاب و مقاله نمی‌توان به چند و چون این نخستین کیش یکتاپرستی آدمی، به گونه‌ای ملموس و محسوس، پی برد. اقامت در میان زرتشتیان کشاورز اطراف یزد و کرمان او را نسبت به اهمیت آیین‌ها و مراسم عبادی زرتشتیان ایران سترصد ساخت. توانست با دقت و موشکافی در این آیین‌ها و رسوم و باورها، که از سه هزار سال پیش تا امروز دست نخورده بود، به جزئیات زندگانی این پیامبر ایرانی و تعالیم او، و حتی عقاید دینی پیش از ظهور زرتشت، دسترسی پیدا کند. دیگر پژوهشگران غربی، تحت تأثیر افکار مسیحیان، بر این باور

A HISTORY OF ZOROASTRIANISM

BY
MARY BOYCE
Professor of Iranian Studies
in the University of London

VOLUME ONE

THE EARLY PERIOD

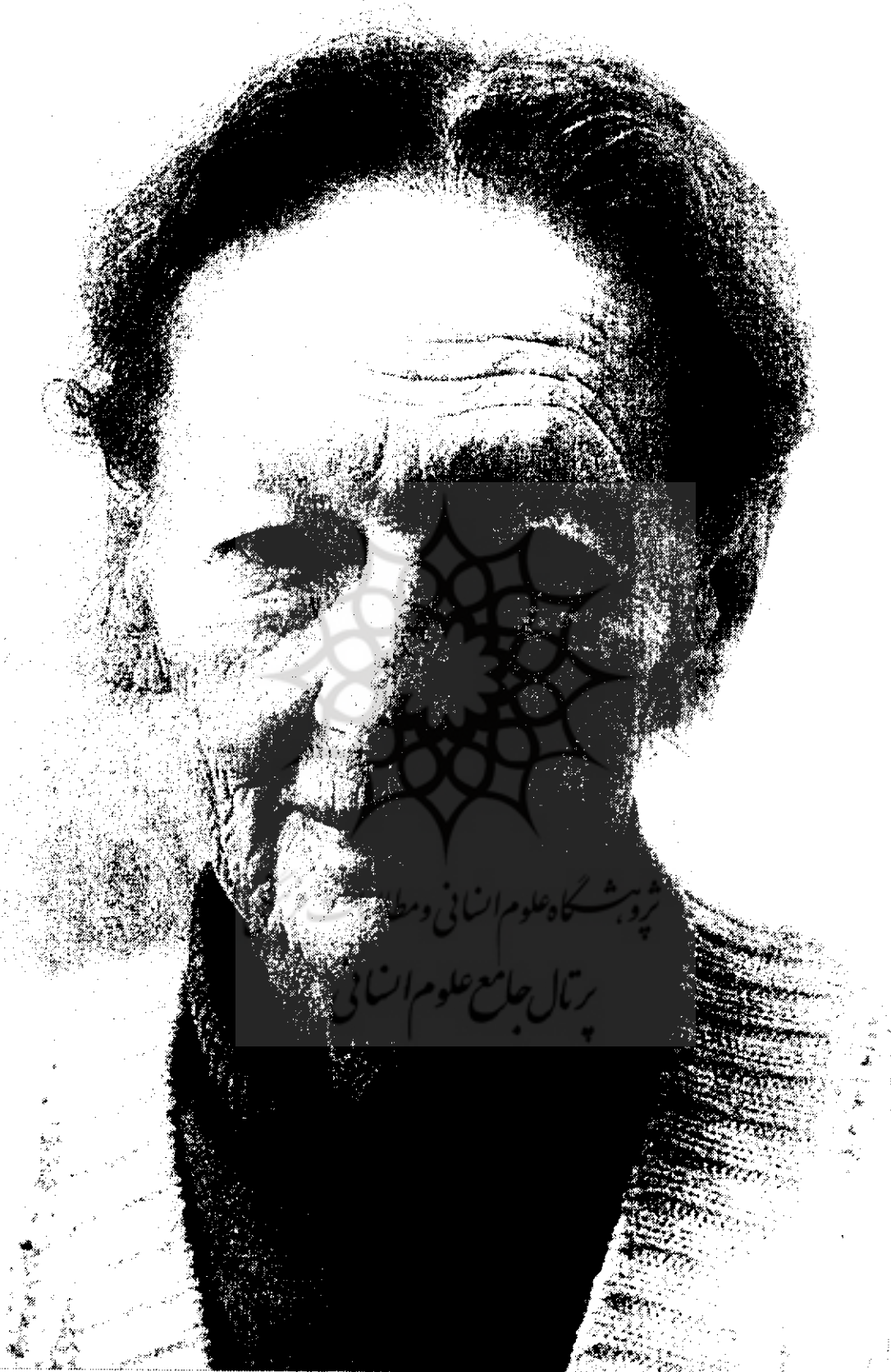
THIRD IMPRESSION
WITH CORRECTIONS



بودند که پیروان امروزی زرتشت تعالیم و باورهای درست و اصیل زرتشت را فراموش کرده و دوباره رسوم و آیین‌های پیش از پیدایش زرتشت را تکرار می‌کنند. سرانجام چکیده تحقیقات و یافته‌های جدید خود را در طی یک سلسله خطابه و آنگاه با کتاب «پایگاه ایرانی کیش زرتشت» (منتشر شده در سال ۱۹۷۸) عرضه نمود که در اندیشه‌ها و نوشته‌های دیگر محققین این زمینه اثر عمیق گذاشت.

شاهکار مری بویس کتاب مفصل و چند جلدی تاریخ کیش زرتشت است که به اغلب زبان‌ها، از جمله فارسی، ترجمه شده است. افسوس که پیش از آنکه جلد چهارم این کتاب را که به تاریخ کیش زرتشت در دوره تسلط سلوکیان بر ایران و پادشاهی طولانی اشکانیان اختصاص دارد درگذشت. خوشبختانه پیش از آنکه بمیرد با ناشر خود، مؤسسه بریل در هلند، به توافق رسیده بود که البرت دویونک، استاد دانشگاه لیدن، کتاب را به انجام رساند.

آشنائی نویسنده این چند سطر با مری بویس با ترجمه کتاب تاریخ کیش زرتشت شروع شد. آشنائی که به زودی به دوستی و مکاتبه مستمر تبدیل شد. هر بار که گذارم به لندن می‌افتاد، معمولاً بعد از ظهرهای روزهای دوشنبه، به دیدنش می‌رفتم و گاهی تا نیمه شب درباره مسائل مربوط به تاریخ کیش زرتشت، به خصوص گاهشماری و تقویم زرتشتیان، به گفتگو و بحث و مشاجره می‌نشستیم. مهربان و مبادی آداب و آرام و ملایم بود اما آنگاه که پای اختلاف نظر و



سلیقه پیش می‌آمد نقاب آرامش و ملایمت او کنار می‌رفت و آشکار می‌شد شیرزنی است که در حمله و ضربت زدن از هیچ ببر و پلنگی دست کم ندارد. به عنوان مثال اصرار داشت ایرانیان روزگار هخامنشیان در گاهشماری خود سال طبیعی ۳۶۵ $\frac{۱}{۴}$ روزه را به کار نمی‌بردند و اصلاً از آن آگاه نبودند. چون اصرار می‌ورزیدم که حرفش قابل قبول نیست و معقول نیست قومی کشاورزی و دامداری کند و با سال شمسی طبیعی آشنائی نداشته باشد اصرار می‌کرد آنچه می‌گوئی تنها ادعا است. کدام دلیل و مدرک را می‌توانی ارائه دهی؟ ناچار شدم در جستجوی دلیل و مدرک اثبات این مدعا چند ماهی تکاپو کنم تا سرانجام مقاله ساعت ستاره‌ای نیریز را، که حاکی از آگاهی ایرانیان زمان هخامنشی از سال ۳۶۵ $\frac{۱}{۴}$ روزی بود، تهیه و برایش ببرم. چند بار پس از ساعت‌ها مشاجره و مجادله بی‌امان هنگام خداحافظی گفتم: «فلانی باز هم تو را دست‌کم گرفتیم». گمان می‌کنم قصد تشویق مرا داشت تا از تحقیق درباره گاهشماری ایران باستان خسته نشوم و دست از تکاپو بردارم.

محققى با انصاف و با سعه‌ی صدر بود. در اقرار به اشتباه خود هیچگاه تردید و درنگ نمی‌کرد. آخرین مقاله‌اش درباره گاهشماری زرتشتی بود. روز پیش از مرگش، که به دیدن او به بیمارستان رفته بودم، چند بار گفتم این بهترین مقاله‌ایست که نوشته‌ام. مقاله با اقرار به اینکه پاره‌ای از نظراتش درباره گاهشماری ایران باستان نادرست بود آغاز می‌شود.

چنان دل‌باخته و عاشق ایرانشناسی و کیش زرتشت بود که نه تنها مختصر پس‌انداز و و دارائیش را وقف ادامه مطالعات کیش زرتشت کرد بلکه در تمام طول عمر خود بر طبیعی‌ترین غرایز و نیازهای جسمانی خود پا گذاشت. و شوهر نکرد. و باردار نشد. لذت فرزند داشتن را نچشید تا بتواند تمام شعور و نیروی ذهن خود را بر ایران و کیش زرتشت متمرکز سازد. خانم الموت هیتز، که اکنون به جای مری‌بویس استاد کرسی مطالعات زرتشتی دانشگاه لندن است، در سوگنامه‌ای مری‌بویس، که برای روزنامه مشهور و پرتیراژ دیلی تلگراف، نوشته در تأیید مطلب بالا می‌گوید:

«مری اعتقاد راسخ داشت نیازها و محدودیت‌های ناشی از تحقیق علمی با وظائف خانوادگی سازگار نیست. بنابراین از ازدواج پرهیز کرد. به قول خودش وفاداری و یکه‌پرستی به علم و تحقیق را بر غریزه و طبیعت خود ترجیح داد. کف نفس پیشه ساخت. تمام عمر خود را وقف دانش و پژوهش کرد.»

LONDON ORIENTAL SERIES · VOLUME 3

THE MANICHAEAN
HYMN-CYCLES
IN PARTHIAN

BY

MARY BOYCE

*Lecturer in Iranian Studies
School of Oriental and African Studies*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

GEOFFREY CUMBERLEGE
OXFORD UNIVERSITY PRESS

LONDON NEW YORK TORONTO

1954

- The Manichaean literature in Middle Iranian, *ibid.*, 67-76.
- On the sacred fires of the Zoroastrians, *BSOAS*, XXXI/i, 1968, 52-68.
- The pious foundations of the Zoroastrians, *BSOAS*, XXXI/2, 1968, 270-89.
- On Mithra's part in Zoroastrianism, *BSOAS*, XXXII/i, 1969, 10-34.
- Rapithwin, Nō Rūz and the feast of Sade, *Pratidānam, Studies presented to F. B. J. Kuiper*, The Hague, 1969, 201-15.
- Manekji Limji Hataria in Iran, *K. R. Cama Oriental Institute Golden Jubilee Volume*, Bombay 1969, 19-31.
- Some aspects of farming in a Zoroastrian village of Yazd, *Persica*, IV, 1969, 121-40.
- Zoroaster the priest, *BSOAS*, XXXIII/1, 1970, 22-38.
- On the calender of Zoroastrian feasts, *BSOAS*, XXXIII/3, 1970, 513-39.
- Haoma, priest of the sacrifice, *W. B. Henning Memorial Volume*, London 1970, 62-80.
- Toleranz und Intoleranz im Zoroastrismus, *Saeculum*, XXI/4, 1970, 325-43.
- The Zoroastrian houses of Yazd, *Iran and Islam, in memory of V. Minorsky*, ed. C. E. Bosworth, Edinburgh 1971, 125-47.
- Zoroastrianism, *Historia Religionum*, ed. C. J. Bleeker and G. Widengren, Vol. II, Leiden 1971, 211-36.
- Chapters 259 and 419 in *Le troisième livre du Dēnkart*, traduit par J. de Menasce, Paris 1973, 262-4, 374-9.
- An old village *dakhma* of Iran, *Mémorial J. de Menasce*, ed. Ph. Gignoux et A. Tafazzoli. Louvain 1974, 3-9.
- Mihragān among the Irani Zoroastrians, *Mithraic Studies*, ed. J. R. Hinnells, Manchester 1975, I, 106-18.
- On Varuna's part in Zoroastrianism, *Mélanges E. Benveniste*, ed. M. Moīfar, Paris 1975, 57-66.
- On Mithra, lord of fire, *Monumentum H. S. Nyberg, Acta Iranica*, 1975.
- Iconoclasm among the Zoroastrians, *Christianity, Judaism and other Greco-Roman cults, Studies for Morton Smith*, ed. J. Neusner, Leiden 1975, Vol. IV, 93-111.
- On the Zoroastrian Temple Cult of Fire, *JAOS*, 95/3, 1975, 454-65.
- The two dates of the feast of Sada, *Farhang-e Iran Zamin*, XXI, 1976, 25-40.
- With Firoze Kotwal, Zoroastrian *bāj* and *drōn*, I and II, *BSOAS*, XXXIV/i and 2, 1971, 56-73, 298-313.

- The Manichaean hymn-cycles in Parthian*, London Oriental Series, 1954.
- A Catalogue of the Iranian manuscripts in Manichaean script in the German Turfan collection*, Akademie-Verlag, Berlin 1960.
- The Letter of Tansar*, Persian Heritage Series, Rome 1968.
- A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Acta Iranica, 9, 1975.
- A history of Zoroastrianism*, (*Handbuch der Orientalistik*, ed. B. Spuler), Vol. I, *The early period*, Leiden 1976.
- A Persian Stronghold of Zoroastrianism*, Clarendon Press, Oxford 1977.
- A Word-List of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Acta Iranica 9a, 1977.
- With Ilya Gershevitch (ed.), *W. B. Henning Memorial Volume*, Asia Major Library, London 1970.
- Sadwēs and Pēsūs, *BSOAS*, XIII/4, 1951, 908-15.
- Some Parthian abecedarian hymns, *BSOAS*, XIV/3, 1952, 435-50.
- Some remarks on the transmission of the Kayanian heroic cycle, *Serta Cantabrigiensia*, Steiner Verlag, 1954, 45-52.
- The Indian fables in the *Letter of Tansar*, *Asia Major*, n.s. V/1, 1955, 50-8.
- Zariadres and Zarēr, *BSOAS*, XVII/3, 1955, 463-77.
- Some ... additions and corrections to "Manichaean Hymn-Cycles in Parthian", *MIO*, IV/2, 1956, 314-22.
- The Parthian *gōsān* and Iranian minstrel tradition, *JRAS*, 1957, 10-45.
- Some reflexions on Zurvanism, *BSOAS*, XIX/2, 1957, 304-16.
- On Mithra in the Manichaean pantheon, *A Locust's Leg*, *Studies in honour of S. H. Taqizadeh*, ed. W. B. Henning and E. Yarshater, London 1962, 43-53.
- The use of relative particles in Western Middle Iranian, *Indo-Iranica*, *Mélanges présentés à G. Morgenstierne*, ed. G. Redard, Wiesbaden 1964, 28-47.
- Some Middle Persian and Parthian constructions with governed pronouns, *Dr. J. M. Unvala Memorial Volume*, Bombay 1964, 49-56.
- Ātaš-zōhr* and *Āb-zōhr*, *JRAS*, 1966, 100-18.
- The fire-temples of Kerman, *Acta Orientalia*, XXX, 1966, 51-72.
- Bibi Shahrbanū and the Lady of Pārs, *BSOAS*, XXX/i, 1967, 30-44.
- The Zoroastrian villages of the Jūpār range, *Festschrift für W. Eilers*, ed. G. Wiessner, Wiesbaden 1967, 148-56.
- Middle Persian literature, *Handbuch der Orientalistik*, ed. B. Spuler, I. iv. 2, 31-66.

کنفرانس دنیای ایران باستان

تورج دریایی

تاریخ، باستان‌شناسی و مذهب سلسله هخامنشی

در ۱۸ ماه مارچ (دو روز قبل از عید نوروز) کنفرانسی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در فولرتون انجام گرفت که چندی از متخصصان تاریخ و فرهنگ ایران باستان را گرد هم آورد. این کنفرانس به دعوت دکتر تورج دریایی و پشتیبانی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتون، بنیاد ایرانیکا، انجمن فرهنگی ایرانیان اورج کانتی و بنیاد خانواده رستگار برپا شد. هشت نفر که سه تن از آنها دانشجوی و پنج تن از اساتید بودند در این کنفرانس شرکت کردند. در آغاز مدیر قسمت انسانشناسی دانشگاه، دکتر توماس کلامر به همگی خیر مقدم گفت و سپس دکتر تورج دریایی با تبریک عید نوروز درباره برنامه‌های جدید برای دانشگاه فولرتون و همینطور این کنفرانس صحبت کرد. در این کنفرانس جیمز هرینگتن (دانشگاه فولرتون)، وارن سورد (دانشگاه فولرتون)، خداداد رضاخانی (دانشگاه لس آنجلس)، جنیفر رز (دانشگاه کلرمانت)، تورج دریایی (دانشگاه فولرتون)، رحیم شایگان (دانشگاه لس آنجلس)، کامیار عبدی (کالج دارتموت) و علی موسوی (دانشگاه برکلی) شرکت کردند.

قسمت اول سخنرانی‌ها مختص به دانشجویان بود که با گفتار جیمز هرینگتن آغاز گردید او درباره نحوه جلوی هخامنشیان در ادبیات یونانی سخن گفت و نشان داد که این دید یونانی که جهان را به دو قطب یونانی و غیر یونانی تقسیم می‌کند از حماسه‌ها هم به عاریت گرفته و ایرانیان نیز در همین چهارچوب حماسی هم است که در ادبیات یونانی، چه نمایشنامه اسکلوس تا



● دکتر تورج دریایی، پروفیسور استرنخ و دکتر کامیار عبدی.

تاریخ هرودوت پدیدار می‌شوند. سخنران دوم وارن سورد بود که درباره نمایش هخامنشیان در فیلمهای هالیوود از آغاز تا امروز سخن گفت. آخرین سخنران در این قسمت خداداد رضاخانی بود که درباره دین خاندان کورش و احتمال تفاوت آن با دین مزدیسنا داریوش سخن گفت. به نظر او بپا خاستن داریوش بر علیه بردیا نیز امکان دارد که بهمین دلیل بوده باشد.

سپس سخنرانان همراه باستانشناس نامی دیوید استرنخ به نهار رفتند و درباره اوضاع ایرانشناسی در خارج از ایران و طریقه رونق دادن به آن صحبت کردند. در این میان درباره حفاری‌هایی که کامیار عبدی و علی موسوی انجام داده‌اند و امید استرنخ که بتواند به ایران برای حفاری برود نیز صحبت شد.

اولین سخنران پس از نهار خانم جنیفر رز بود که درباره آنچه می‌توان درباره باورهای هخامنشیان بر حسب منابع یونانی و اوستا دانست سخنرانی کرد. تورج دریایی درباره فرترک‌ها و یا حکام محلی و نحوه پرستش هخامنشیان با استفاده از ایده‌های هلنی سخنرانی نمود.

پس از سخنرانی دریایی برای نیم ساعت دانشجویان و حضار چای و شیرینی صرف کردند و با سخنرانان و با یکدیگر به گفتگو پرداختند. همچنین باستانشناس نامی دیگری در جمع حضور داشت و او الیزابت کارتر متخصص ایلام بود.

سپس رحیم شایگان درباره کتیبه بیستون و داستان گاماتا و بردیا سخنرانی کرد و درباره

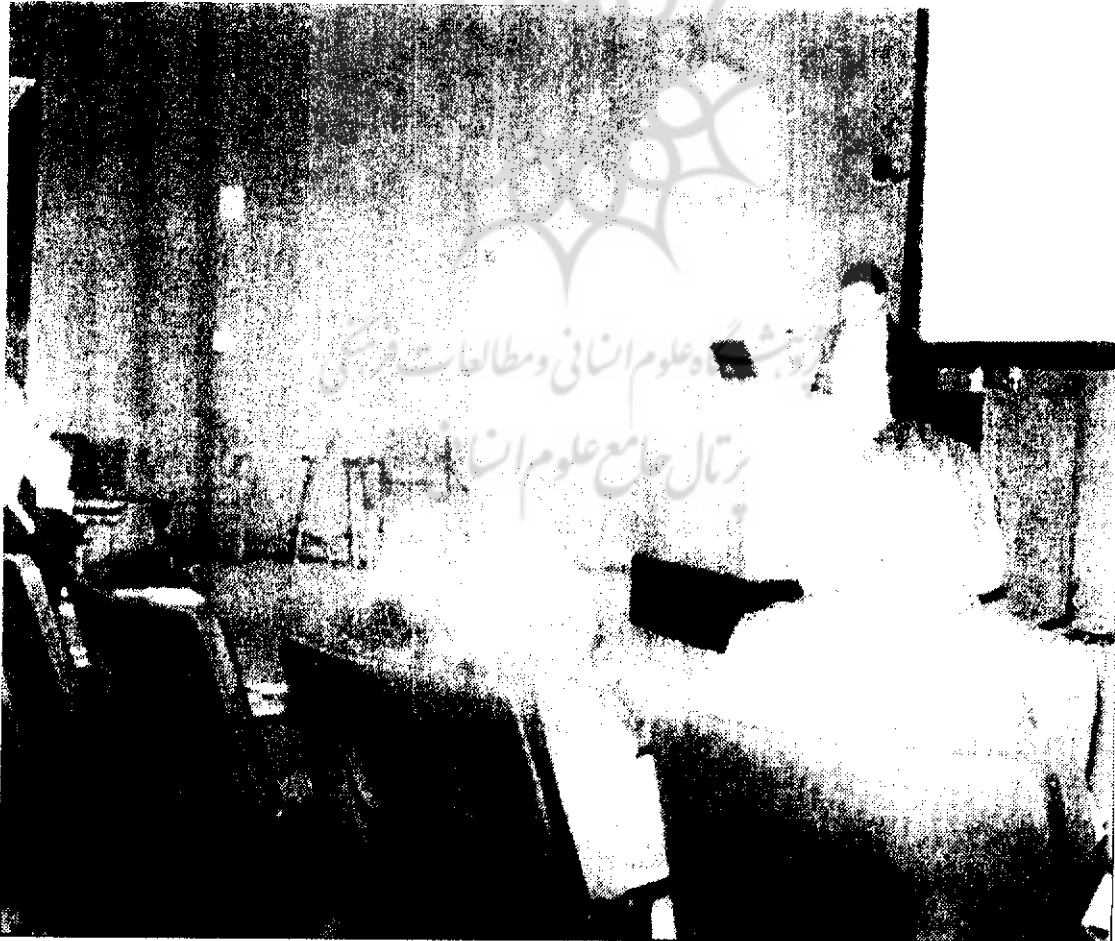


علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال ۱۳۹۰

۱۳۹۰



● دکتر الیزابت کارتر و دکتر تورج دریایی





● در حاشیه کنفرانس

نمادهای اساطیری و فرهنگی آن مطالبی گفت. بعد از او کامیار عبدی درباره روابط ایلامیان و پارسیان قبل از به قدرت رسیدن کوروش کبیر و راه آمدن آنها به مرودشت صحبت کرد. آخرین سخنران علی موسوی بود که درباره تاریخچه باستانشناسی هخامنشی سخن ایراد کرد.

۱۰۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



● علی موسوی، کانیز عیدی، رحیم شایگان، خدا داد رضاجانی، تورج دره‌ای، جنتی روزی و پرواز استرابع